وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققا آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره ۳۲ چهارشنبه ۲۲ دلو ۱۳۸۲ ۲۰ ذوالحجة ۱٤۲٤ - 11 February 2004

سرمقاله

پانزدهمین سال شکست اشغال شوروی در افغانستان

ص۲

مادر مسلمان و تربیت اولاد

ص۷



استاد ربانی دجهاد او مقاومت لاربنود :

زمونږ ګوند یوسیاسی او فرهنګی ګوند دی

موږ په خپله اساسنامه او مرامنامه کي بدلون راوستي

د ازادي راډیو خبریال د افغانستان دجمعیت اسلامي له مشر محترم استاد رباني سره د عدلي وزارت له خوا د ګوندونو د راجستر په باب یوه مرکه کړي چي دادي ستاسو پام ورته راګرځوو:

پوښتنه: داسلامي جمعیت دګوند مشر محترم استاد رباني په دي وروستیو کي دافغانستان دعدلي وزارت یوه خبرتیا خپره کړي په هغي کي ویل شوي دي سیاسي ګوندونه دي له انتخاباتونه دري میاشتي مخکي ثبت او راجستر شي او دخپلو شرایطو وراندیزولو کړي دي ترکوم حده پوري اسلامي جمعیت په دغه شرایطو باندي برابر دي؟

ځواب: البته اسلامي جمعیت یوسیاسي ګوند دي او پخوا چي په افغانستان باندي حملي وشوي موږ د دفاع لپاره داستقلال لپاره وملي تمامیت لپاره جهاد وکړ چي اوس نو هغه ضرورت نه وینو

۳مخ

ایران - انقلابی که بیست و پنج ساله شد

ص۶

همایش بین المللی مبارزه با مواد مخدر در کابل

مجتبی مهرورز



در اجلاس دو روزهٔ (۱۹-۲۰دلو) مبارزه با مواد مخدر که با حضور آقای حامد کرزی رئیس دولت، مهمانان و کارشناسان خارجی در کابل برگزار گردید. بحث مفصلی درپیرامون گسترش کشت خشخاش، تولید و قاچاق آن صورت گرفت و راه های برون رفت از وضع جاری پیشنهاد گردید. حامد کرزی در مراسم افتتاحیهٔ این گرد همایی اظهار داشت که اگر جامعهٔ بین المللی در زمینهٔ قلع وقمع کشت مواد مخدر جامعهٔ افغانستان را کمک ومساعدت ننماید ما بنابر دستور شریعت اسلامی مکلف هستیم خود اقدامات جدی را به خاطر محو این پدیده انجام دهیم.

ص۶

محمد یونس قانونی:

دخالت ها در کار لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی موجب بی ثباتی در کشور می گردد



خبررسانی ایرنا گفت و گویی را با محمد یونس قانونی مشاور امنیت داخلی و وزیر معارف دولت انتقالی اسلامی افغانستان در رابطه به قانون اساسی افغانستان انجام داده است که فرازهایی از آن را در این جا به نشر می رسانیم.

محمد یونس قانونی در ابتدای این گفت وگو اظهار داشت : حاصل کار لویه جرگه یعنی تصویب قانون اساسی جدید افغانستان به نفس خود یک کار مثبت است ،زیرا یک قانون ضعیف به مراتب بهتر از نبود قانون است.

قانونی افزود : ما می توانستیم قانونی بهتر از این را تدوین و تصویب کنیم و این قانون ضعیف فعلی ناشی از نوع برنامه ریزي و عملکرد لویه جرگه به ویژه در سطح رهبري آن بود.

قانونی ، از سوي دیگر از یک سلسله دخالتها در روند کار لویه جرگه سخن گفت و افزود : شخصا از این دخالتها راضی نیستم و این وضعیت می تواند موجب بی ثباتی شود. افغانستان به ثبات و وحدت ملی نیاز حیاتی و زیربنایی دارد و امیدواریم بتوانیم در سایهٔ قانون از چالشهای اساسی که در مقابل ما قرار دارد، با موفقیت عبور کنیم .

وی ضمن بیان این که به دلیل برخی ملاحظات نمی تواند دربارهٔ نکات منفی روند تصویب قانون اساسی جدید افغانستان توضیح بیشتری بدهد، در بارهٔ صف بندی های قومی در تشکیلات سیاسی این کشور و کار لویه جرگه اظهار داشت : باور من این است

ص۳

گروهی از نمایندگان مردم در نامه یی سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل:

دولت افغانستان در متن تصویب شدهٔ قانون اساسی تغییراتی مهم وارد کرده است

ص۸

گرایش عمومی به سوی انتخابات کمرنگ است

علی کوهستانی

انتخابات به منظور گزینش رئیس جمهور جدید ، به گفتهء منابع موثق، حدود پنج ماه بعد باید برگزار گردد. اما از همین حالا کارزار حساب شده برای تحقق این هدف کمرنگ و کم جاذبه می نماید. درحوزه های ثبت نام به روشنی ثابت می شود که گرایش مردم برای شرکت در این حرکت مهم برای تعیین زعامت جدید ،چندان گرم و با حرارت نیست.

چرا چنین است ؟

شکی نیست که برای جلب توجه مردم افغانستان به این مهم، چنان که لازم است تبلیغ وروشن گری صورت نگرفته است بنا بران توجه رأی دهندگان خواه زن ویا مرد معطوف به مساله یی نیست که همچون مسؤولیتی سنگین بردوش دارند.

ولی باوجود این همه مسائل آیا انگیزهٔ دیگری هم درکار بی رغبت ساختن مردم نسبت به ادای این مسؤولیت ملی دخیل بوده است؟یک شاهد عینی می گوید:وقتی واردمکتبی درحومهٔ شهر کابل شدم ، مشاهده کردم که از جمع شاگردان یک صنف شصت یا هفتاد نفری ،فقط دو یا سه تن کارت رأی دهی به دست دارندوباقی هیچ. پرسیدم : چرا کارت اخذ نکرده اید . اکثریت پاسخ شان این بود : « چندان مهم نیست » و هیچ علاقه یی نشان نمی دادند

ص۶

انتخابات چالش قدرت ونگرانی ها

ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

پانزدهمین سال شکست اشغال شوروی در افغانستان

نیرو های اشغالگر نظامی اتحاد شوروی پیشین پانزده سال پیش در بیست وششم دلو ۱۳٦۷ پس از ده سال اشغال و کشتار در افغانستان با شکست و سرافگندگی این کشور مردپرور را ترک کردند .

شکست شوروی در افغانستان اثراتی سوء برپهلو های ایدئولوژی و اقتصاد و سیاست آن کشور در درون و بیرون اتحاد شوروی گذاشت و به باور بسیاری از صاحب نظران و تحلیلگران سرآغاز تحولاتی ژرف در منظومهء جهان کمونستی گردید.

پس از آن که رژیم دست نشاندهء اتحاد شوروی در افغانستان در پی خروج نیروهای نظامی آن کشور به دست مجاهدان ساقط شد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسیدافغانستان وارد بحرانی تازه گردید.

مجاهدان و مبارزان جنگ علیه اتحاد شوروی در افغانستان به مثابهء نماد آزادی و آزادی خواهی در سراسر جهان مورد احترام و تحسین قرار می گرفتند .

در کشور های اسلامی به انان به عنوان کسانی که سنت ازیاد رفتهء جهاد را زنده کرده اند می نگریستند و در دنیای غرب به عنوان رزمندگانی که در برابر توسعه طلبی کمونیسم در دفاع از جهان غرب و ارزشهای تمدن آن می جنگیدند به انان افتخار می کردند.

وقتی در سال ۷۱ (۱۹۹۲م) انقلاب به پیروزی رسیدهمهء کشور های دور و نزدیک برای نضج گرفتن صلح و ثبات دراین کشور افغانستان را نه تنها یاری نرسانیدند که برخی از آنها در جهت ایجاد بی ثباتی و بحران در آن اقدام ورزیدند .

برخی از این کشور ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی پیشین رسالت مجاهدان و نقش استراتژیک افغانستان را پایان یافته تلقی کردند و حتی برخی از آنان استحکام ثبات و امنیت در آن را به زیان برنامه های خود دیدند. اما با افزایش بحران و بی ثباتی در افغانستان و به وجودآوردن گروه طالبان عملا ثابت شد که بی ثباتی در افغانستان به سود هیچ یک از کشور های دور و نزدیک جهان نیست بلکه بحران بی ثباتی در افغانستان می تواند کشوری بزرگ مانند ایالات متحدهء امریکا را در اقصای جهان نیز زیان مند سازد .

اگر کشور های جهان پس از فروپاشیدن اتحاد شوروی و انقراض دولت کمونیسم که مجاهدان افغانستان نقش محوری را در آن بازی کردندپاس آن را می داشتند جهان و صلح و امنیت جهانی به بسیاری از این دشواری ها دچار نمی آمد . همکاری جهانی با جهاد افغانستان در دوران اشغال اتحاد شوروی براین کشور زمینهء عملی تفاهم میان شرق اسلامی و جهان غرب را فراهم آورده بود که می شد به خوبی از آن در جهت تحکیم صلح و امنیت جهانی بهره برداری صورت پذیرد.

امروز یک بار دیگر زمینهء این همکاری و تفاهم در افغانستان فراهم آمده است ، جامعهء جهانی باید در شناخت و تعامل با جامعهء افغانستان از دقت لازم کار بگیردو از داوری های شتابزده بپرهیزدو بنای تفاهم و همکاری میان ملت های جهان را برپایهء پذیرش پلورالیسم فرهنگی و تمدنی پی ریزد .

انتخابات
چالش قدرت ونگرانی ها

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

دکتر اندریوویلند، دایرکتراداره‌ء پژوهش وارزیابی افغانستان(AREV) رساله یی راتحت عنوان «انتخابات افغانستان_بازی بزرگ» اخیراً انتشار داده ودر مجمع بنیاد فرهنگ وجامعهٔ مدنی افغانستان به بحث گذاشت که پاره یی ازاین بحث های جالب به تحلیل و ارزیابی گرفته می شود.

تنها هفت ماه به برگزاری انتخابات که درمعاهدهٔ بن روی آن توافق صورت گرفته بود، باقی مانده است. برای برگزاری انتخابات دولت انتقالی افغانستان وسازمان ملل متحد ،مصروف تنظیم کمپاین عمومی ثبت وراجستر رأی دهندگان و تدارک بودجهٔ ۱۳۰ میلیون دلاری از منابع تمویل کننده می باشد. سوال مطرح می شود که آیاتدویرانتخابات می تواند در راستای تطبیق اهداف کلی توافق نامهٔ بن مفید باشد،زیرا موفقیت قرارداد بن درتطبیق آن دریک چوکات زمانی معین نبوده، بلکه وابسته به این است که تا چه اندازه اهداف آن چون ختم جنگ تراژیک در افغانستان،آشتی ملی، صلح پایدار، ثبات سیاسی واحترام به حقوق بشر جامهٔ عمل پوشیده است.باوجود آن که اضرار برگزاری انتخابات قبل ازوقت در شرایط بعدازجنگ ممکن بیشتر از فوایدآن باشد، چنین به نظر می رسد که

به تعویق انداختن انتخابات باید بااستراتژیی توأم باشد که همراه باسایر مسائل، مسألهٔ ایجاد شرایط مناسب برای برگزاری انتخابات آزاد وعادلانه را تأمین نماید.

ادارهٔ آقای کرزی_سازمان ملل متحد وسایر کشورهای ذیعلاقه چون ایالات متحدهٔ امریکا ،مطمئن اند که امکان موفقیت انتخابات سال ۲۰۰۴ از خطرات آن بیشتر است.

مهمترین عوامل برگزاری انتخابات مطابق چوکات زمانی توافق نامهٔ بن و یاباچند ماه تأخیرعبارت اند از:

۱ _ تأخیر درانتخابات، به معنی نقض موادقرارداد بن می باشد، ومی تواند عامل بی ثباتی ،درکشورتلقی گردد ومشروعیت حکومت را تحت سوءال قرار داده وباعث بی علاقگی کشورهای کمک کننده گردد.

۲ _ تأخیر درانتخابات مشروعیت ومحبوبیت آقای کرزی راقبل از ختم حکومتش در ماه جون سال آینده تحت سوال قرار می دهد.

۳ _برگزاری انتخابات درموعد تعیین شده فرصت تازه رابرای پیشبرد اصلاحات سیاسی دراختیار رئیس جمهور قرارمی دهد.

۴ _ برگزاری انتخابات می تواند درتداوم کمک های کشورهای کمک دهنده عامل عمده تلقی گردد. اگرچه انتخابات می تواندعامل بالقوه برای ایجاد تغییرات مثبت تلقی گردد ولی باید گفت که برگزاری آن درشرایط نامناسب ممکن سبب تحولات نامطلوب درحیات سیاسی کشورگردد. انتخابات قبل از وقت می تواند مهمترین عامل بی ثباتی درکشور باشد،تاعامل صلح پایدار.

طاهراً اداره‌ء کرزی(همراه با ایالات متحده امریکا) امید وارند که به کمک۱،۵ میلیارد دلاری امریکا خواهند توانست تا آرای کافی را به دست آورند. درضمن این امکان وجود دارد که کاندید سازمان یافته تر،پولدار تروبا برنامه وایدیالوژی واضح تری قادر به کسب آرای بیشتر وپیروزی نسبت به آقای کرزی خواهد بود .هنوز مشخص نیست که تا چه اندازه انتخابات آینده درروند مشروعیت بخشیدن حکومت فعلی افغانستان موثر باشد،اما باید تذکرداد که نارضایتی افغان هااز حکومت فعلی بیشتر ازنارسایی های حکومت در تامین امنیت، اداره ء بهتروتأمین احتیاجات ضروری مردم ناشی می گردد

تا نحوهٔبرگزاری شتابزدهٔ لویه جرگهٔ اضطراری ،درحالی که نگرانی های جدی پیرامون تقلب در پروسهٔ انتخابات موجود است .

درحال حاضر ایالات متحده نیرومند ترین حامی تدویر انتخابات در تابستان ویا پائیز سال آینده می باشد این علاقه شدی ایالات متحدهٔ امریکا برای انتخابات سال ۲۰۰۴ درافغانستان را می توان ضرورتی برای توجیه سیاست «جنگ علیه تروریزم» ادارهٔ بوش قبل از انتخابات ریاست جمهوری امریکا که قرار است در

تأخیر درانتخابات، به معنی نقض موادقرارداد بن می باشد، ومی تواند عامل بی ثباتی ،درکشورتلقی گردد

نوامبر۲۰۰۴دایر گردد، تعبیر کرد. مخصوصاً درحالی که ادعای موفقیت در عراق روز تا روز رنگ می بازد، بعضی ها ادعا می نمایند که تعیین جدول زمانی مشخص برای انتخابات رول عمده در جلب کمک های ایالات متحده داشته وتاخیر در آن باعث از دست رفتن این فرصت خواهد شد.

تکیه برپالیسی «دام گسترانیدن» جهت جلب توجه بیشتر کشورهای کمک دهنده سیاست کوتاه بینانه بوده ونتایج معکوس را در قبال خواهد داشت زمانی که انتخابات به پایان رسید کشورهای کمک دهنده به سیاست«گریز از دام» توسل جسته وآن را منحیث دلیلی مشروع برای قطع علاقه وکمک خویش به افغانستان توجیه خواهند کرد. اگر سیاست گذاران به این متقاعد گردند که خطرات تدویر انتخابات در شرایط فعلی از فواید آن بیشتر است، پس باید راه دیگری جهت مشروعیت بخشیدن حکومت فعلی الی برگزاری انتخابات آزاد وعادلانه سراغ کرد. در حالی که قانون اساسی این خلا را از میان برداشته است، طوری که در این قانون آمده است رئیس ادارهٔ انتقالی می تواند الی انتخاب رئیس جمهور جدید برقدرت باقی بماند. در این قانون مشخصاً از چوکات زمانی برگزاری انتخابات تذکر به عمل نیامده است. به تعویق انداختن انتخابات باید بااستراتژیی توام باشد که همراه باسایر مسائل، مسالهٔ ایجاد شرایط مناسب برای برگزاری انتخابات آزاد وعادلانه را تامین نماید. استراتژی جدید باید برمبنای ادغام استراتژی های نظامی واعمار مجدد، باتوافق کشورهای کمک دهنده، سازمان ملل متحد واصلاح طلبان در داخل دولت جهت طرح استراتژی همه جانبه برای ایجاد سیستم دولتی افغانستان استوار باشد. کنفرانس دوم توکیو در بهار آینده، همچنان امکان تدویر کنفرانس دوم بن فرصت های مناسب را برای دولت، سیاسمتداران افغان، سازمان ملل متحد وکشورهای کمک دهنده به وجود خواهد آورد. تا با تکیه برحمایت دراز مدت جامعهٔ بین المللی استراتژی چند ساله را برمبنای سیاست آشتی ملی، تامین ثبات وصلح پایدار واحترام به حقوق بشر طرح و در عمل پیاده نماید.

در شرایط مناسب برگزاری انتخابات مطابق چوکات زمانی تعیین شده توافق نامهٔ بن می تواند انتخاب تلقی گردد. انتخابات غیرعادلانه ونامنصفانه مشروعیت آن را نزد افغانها وجامعهٔ بین المللی زیر سوال برده ومطمئناً تاثیرات نامطلوب بر پروسهٔ انتخابات در سال های آینده نیز خواهد داشت. سیاست گزاران باید فواید واضرار تدویر انتخابات در تابستان وخزان سال آینده را بار دیگر مورد غور وبررسی قرار دهند، زیرا آیندهٔ افغانستان وابسته به این انتخابات بوده وکشور قادر به تحمل باخت در این قمار نیست. اما وقتی پیرامون توافقات بن وتطبیق آن در افغانستان بادید موشگافانه نظر اندازیم، نمی توان ادعا کرد که موفقیت عمده در حصول اهداف آن به دست آمدہ است.

ناامنی در سراسر افغانستان بیداد می کند، خلع سلاح ملیشیا چه در کابل وچه در سایر نقاط کشور باموانع جدی داخلی وخارجی مواجه است اصلاحات در ارگان های حقوقی به کندی به پیش می رود، حکومت مرکزی از قدرت واتوریته کمی برخوردار بوده وکشور عملاً میان فرماندهان محلی تقسیم شده است. کار پروژه های عمدهٔ عمرانی مخصوصاً در مناطق پشتون نشین جنوب وجنوب شرق بنا برمشکلات امنیتی وکمبود بودجه عملاً مواجه شده است. باید اذعان کرد که وجود این همه موانع ونارسایی ها اعتبار دولت وجامعهٔ بین المللی را نیز درمیان افغانها تحت سوال برده است. قرار معاهدهٔ بن برگزاری انتخابات آخرین گام در راستای تشکیل دولت قانونی ومشروع در کشور تلقی گردیده است. قرار این معاهده برگزاری انتخابات آزاد از یکسو باعث جلب همکاری بیشتر جامعهٔ بین المللی در تشکیل دولت می گردد واز جانب دیگر این امکان را به مردم افغانستان وسیاست گزاران این کشور مساعد می سازد تا ذریعهٔ انتخاب آزادانهٔ نمایندگان خویش حکومت مشروع وقانونی را پایه گزاری وانتخاب نمایند.

تدویر انتخابات قبل از حل مشکلات نه تنها دست آوردهای دوسال گذشته را به باد داده، بلکه کشور را دوباره به عقب وممکن به طرف جنگ وخشونت بیشتر سوق دهد. قبل از این که دولت وجامعهٔ بین المللی سرنوشت افغانستان را در قمار انتخابات به گرو بگذارند باید از خویش بپرسند که آیا این عمل فرصت مناسب را برای ایجاد دولت پایدار وصلح آمیز از دست نمی دهند؟ ویا این که این عمل تخطی از روحیهٔ واقعی توافق نامهٔ بن نیست؟

ادامه دارد

زموږ ګوند یوسیاسي او فرهنګي ګوند ...

پوښتنه: تاسو داخبره کوئ چي داسلامي جمعیت ګوند په اوسنیو شرایطو کي پوځي کسان ددغه تنظیم په غړیتوب کي نلري.

ځواب: نه خیر

پوښتنه: دغه تنظیم څومره غړي لري په اوسنیو شرایطو کي او دغه تنظیم کله جوړ شوي دي؟

ځواب: د دي تنظیم اعضاو چي اوس ني موږ په مرکزي دفتر کي لرو د دیرشو زرو په شاو خوا کي کارتونه اخیستي دي اما داچي په ولایاتو کي او یا په بهرکي څومره کسانو کارتونه اخیستي دي اوس موږ شروع کړي او په دي نږدي که په موږ اعلان وکړو چي څومره دي.

پوښتنه: ستاسو دګوند اساسنامه او مرامنامه دیخوا په خیر دي او یاکوم بدلون په کي راغلي دي؟

ځواب: موږ له اوسنیو شرایطو سره سم اساسي بدلون په کي راوستي دي

پوښتنه: سربیره پردي ایا ستاسو ددغه تنظیم هلي ځلي به په راتلونکو انتخاباتو کي ستاسو دکاندیدیدو لپاره څومره ارزښت ولري؟

ځواب: موږ یوازي دکاندیدیدو لپاره هلي ځلي نه کوو دخپل هیواد دعوامو لپاره دخدمت په سیاسي ډګر کي زموږ هلي ځلي جاري ساتو دریاست جمهوري دانتخاب په هکله موږ له خپلو دوستانو او اعضاو سره له بشپړي مشوري نه وروسته خپل موقف اعلانوو

پوښتنه: بله مسئله چي دګوندونو په قانون کي راغلي ده او دعدلي وزارت هم خپله خبرتیا کي ورته اشاره کړي ده هغوي دچي ګوندونو یا دکمونیستي احزابو په هکله ویلي چي فعالیت نه شي کولاي او که فعالیت کوي نو دوي دي باید له خپلو کړنلارو څخه صرف نظر وکړي ستاسو نظر دهغو ګوندونو په اړوند څه دي؟ څکه چي په تیرو وختونو کي دجمعیت ګوند یو پیاوړي اسلامي ګوند و؟

ځواب: زه په دي اندیم چي اوس په افغانستان کي هغه ګوندونه چي پخوا چپي ګوندونه وو زه فکر کوم چي له خپلو اساسي کارونو څخه تیرشوي دي یوازي جمعیت نه بلکه هغه څه چي دافغانستان خلك غواړي هغه داسلام دین دي او زه فکر کوم چي هغو ګوندونو له شرایطو سره او له اسلام سره مطابق خپل پروګرام او خپل خان جوړ کړي او اعلام کړیدی.

پوښتنه: دعدلي وزارت په خبرتیا کي داهم راغلي چي په بهر کي جوړ شوي ګوندونه نه شي کولي چي په فعالیت لاس پوري کړي ستاسو نظر په دي هکله څه دي؟

ځواب: زه له دي خبري سره سل په سلو کي موافق یم چي دملي ارمان له مخي منځ ته راغلي وي او له بهر څخه الهام وانه خلي

سوله دوسته نړۍ دفلسطین دخلکو خپلواکي غواړي

پامیر

تاکل شویده داسرائیلو عالي محکمه په داردن دسیند په غاړه دفلسطیني خاوري په شاوخوا دامنیتي دیوال دجوړولو په باب دهغه هیواد د دولت داقدام دقانوني توب او غیرقانوني والي موضوع وڅیړي

دفبروري په9 نیټه ددغه هدف له پاره دتوموري محکمي غونډه جوړیږي. دنړیوالو کنواسیونونو له مخي په هغه صورت کي چي یو هیواد دجګړي په وخت کي دبل هیواد ځمکه ونیسي ښکیلاك ګر خواکونه حق نه لري چي دنیول شوي ځمکي په سرحدونو کي بدلون راوړي او یا هلته دخپلو وګړو له پاره داستوګني سیمي او تاسیسات جوړ کړي

کار پوهان وائي په هغه صورت کي چي دغه عالي محکمه داسرائیلو د دولت ددغه اقدام پرخلاف راي ورکړي دولت به دهغه مقابلي ته راپاځي او امکان لري ددغه راز دوسیي دحل لاره ډېره اوږده وي

دنړي سوله دوست هیوادونه او ټول اسلامي هیوادونه هیله من دي چي دفلسطین په مظلوم ولس باندي داسرائیلو د زور ظلم کړي ماتي شي. اسرائیل دي ته حاضر شي چي دملګرو ملتو دامنیت شورا دتیرو پریکړه لیکونو له مخي دفلسطینیانو خاوره پرېږدي او دهغوی دحق خود ارادیت مسئله په عادلانه توګه حل شي

نږدي55 کاله کیږي چي داسرائیلو د زور ظلم او ښکیلاك کړي ددغه مظلوم اولس دخلکو په غاړه کي پرته ده او داسي ورځ نشته چي دفلسطینیانو په کمپونو او داستوګني په سیموباندي داسرائیلو دټانکونو او توپونو برغل ونشي تراوسه په لسګونو زره انسانان ددغه جګړي قرباني شوي. په زرګونو کلي، کمپونه او کورونه ړنګ شوي او فلسطینیانوته په خپله پلرني خاوره کي دخپل برخلیك ټاکني اجازه نه ورکول کیږي

که له یوي خوا نه دفلسطین په خاوره کي دیهودیانو له پاره کورونه او بلاکونه جوړیږي نو له بلي خوا اسرائیل لګیا دي دفلسطینیانو نیول شوي ځمکي له خپلي خاوري سره یوځاي کوي او په فلسطیني سیموکي دیوالونه او اغزن سیمونه غځوي او ددي خاوري اصلي اوسیدونکي مهاجرتولو او له یوځاي نه بل ځاي ته کډي کولو ته اړباسي

موږ دملګرو ملتو دټولو کنوانسیونو او ددغه سازمان دامنیت شورا د دوو تیرو پریکړه لیکونو سره سم د فلسطیني اولس له پاره دبشپړه ازادي هیله کوو او دښکیلاك هغه دیوالونه چي ددغه مظلومو خلکو په خاوره کي جوړیږي غندو. له ملګرو ملتو څخه هیله من یوو چي په اسرائیلو باندي دخپل زیات سیاسي فشار په اچولو سره هغوي دي ته اړباسي ترڅو دفلسطین دخاوري اشغال پاي ته ورسوي. هلته دیهودو داستوګني کورونه ړنګ او فلسطیني اولس ته اجازه ورکړي چي په ازاده توګه له یوښارنه بل ښارته دکارکولو له پاره لاړشي

موږ باور لرو په هغه صورت کي چي اسرائیل دفلسطین په خاوره کي خپل ښکیلاك پاي ته ورسوي او دفلسطین خوږیدلي ملت په خپل ځنګ کي دیو ازاد او خپلواك دولت په توګه ومني په هغه صورت کي به هرډول خان وژني، جنګ او جګړي پاي ته ورسیږي او په سیمه کي به سوله او ثبات حاکم شي

دنړي سوله دوست هیوادونه او ټول اسلامي هیوادونه هیله من دي چي دفلسطین په مظلوم ولس باندي داسرائیلو د زور ظلم کړي ماتي شي، اسرائیل دي ته حاضر شي چي دملګرو ملتو دامنیت شورا دتیرو پریکړه لیکونو له مخي دفلسطینیانو خاوره پریږدي

دخالت ها در کار لویه جرگهٔ تصویب قانون ...

که ما نباید از فاکتورها و امتیازهای قومی در پیشبرداهداف و برنامه های خود بهره برداري کنیم . قانونی افزود : تجربه نشان داده است که هر قدر فاکتورها و امتیازات قومی در افغانستان عمده و شخصیتها و رهبران ما وارد عصبیتهاي قومی شوند، به همان اندازه به ثبات و وحدت ملی افغانستان آسیب وارد خواهد شد .

قانونی در پاسخ به این سوال که تمام رهبران و شخصیتهاي افغانستان ازوحدت ملی سخن می گویند، اما همگی آنان داراي رنگ و نشان قومی هستند، چرا؟ وخود شما چه گامی براي تغییر نگاه قومی به نگاه ملی برداشته اید؟ گفت : ما افتخار داریم که طی ۲۳ سال جهاد و مقاومت پیوسته بر وحدت ملی به عنوان اولویت تأکید کرده و در راه آن قربانی های زیادي داده ایم .

وي افزود: شما شاهد هستید که با پیروزي مقاومت و سقوط طالبان ما در کنفرانس تاریخی "بن" در برابر یک چالش قرار گرفتیم . به ویژه آن که در این کنفرانس منافع قومی وگروهی با منافع ملی در تضاد جدي قرار گرفت و به عنوان رئیس هیأت جبههٔ متحد در این نشست منافع ملی و وحدت ملی مردم افغانستان را برمنافع قومی ، گروهی و حزبی ترجیح دادیم و خواهان ایجاد یک تغییر بنیادي درافغانستان شدیم .

قانونی گفت: ما در این اجلاس تصمیم گرفتیم درساختار دولت گذشته افغانستان به ریاست استاد برهان الدین ربانی تغییر ایجاد کنیم تا وحدت ملی و حمایت بین المللی تضمین شود .

وي افزود: در جریان روند نشست "بن"، "استاد" عبدالستار سیرت که با ما روابط قومی و خویشی نیز دارد، بیشترین ارا را در بین ما به دست آورد، اما ما به خاطر تقویت وحدت ملی ، از بین برادران پشتون خود آقاي "حامد کرزي" را انتخاب کردیم تا مردم و جامعهٔ بین المللی مطمئن شوند که ما در صدد کسب امتیازات قومی نیستیم . آقاي قانونی اظهار داشت : در جریان لویه جرگهٔ اضطراري درجوزاي ماه ۱۳۸۱ نیز من داوطلبانه از پست وزارت امور داخله استعفا دادم تا مردم مطمئن شوند که جهاد و مقاومت ما به خاطر پست و مقام نبوده است .

وي علاوه کرد: ما می توانستیم در جریان کنفرانس بن به انحصار قدرت در اختیار خود اصرار ورزیم ، امااساس را بر مشارکت ملی گذاشتیم و دوستانی که در دوران جهاد و مقاومت درخارج از کشور به سر می بردند، را در قدرت سهیم کردیم.

وزیر معارف افغانستان دولت کنونی این کشور را دولتی مشارکتی ، متشکل ازاقوام مختلف خواند و گفت : در جریان تصویب قانون اساسی جدید در لویه جرگه نیز ما داراي دیدگاه متفاوتی نسبت به سایر اعضاي دولت بودیم ، اما به خاطر رفتن به سوي وحدت ملی از دیدگاه خود منصرف شدیم و مجموعه این عملکردها نشان می دهد که ما قدم به قدم به خاطر تضمین و تثبیت وحدت ملی و ایجاد صلح و ثبات ، قربانی داده ایم و در آینده نیز در صورت نیاز، فداکاري خواهیم کرد .

قانونی در پاسخ به این سوال که ایا این نگاه در تمامی دولت متشکل ازتمامی اقوام وجود دارد یا خیر؟ و ایا این فداکاري و به اصطلاح قربانی دادن شما، نوعی عقب نشینی تعبیر نمی شود؟ اظهار داشت : ما با تعبیر "عقب نشینی" موافق نیستیم . من در شرایط خاص به صورت داوطلبانه از پست وزارت امور داخله کنار رفتم و هیچگاه پشیمان هم نیستم .

وي گفت : علاوه بر این هدف از ترک این پست این بود که با یک مشارکت ملی ،ترکیب متوازنی در ادارات دولتی به وجود آید. باید در همه ادارات اصلاحات و توازن ایجاد شود .

وزیر معارف افغانستان افزود : همه اعضاي دولت را برادران خود می دانیم ،اما اگر سایر اعضاي دولت دچار اشتباه شوند و به جاي اصلاحات به سوي امتیارخواهی هاي قومی و انحصارطلبی گروهی و حزبی سوق یابند، مورد پذیرش مردم قرار نخواهند گرفت .

وي در پاسخ به این سوال که نظر شما دربارهٔ این که یک نگاه بدبینانه معتقد است، گروهی در افغانستان که در طول۲۳ سال جنگ نتوانست خواسته هاي خود رابه کرسی نشاند، اما اکنون از طریق قانون به خواسته هاي خود رسیده است" چیست ؟ گفت : از قانون اساسی افغانستان می توان تعابیری مختلف کرد، ما اگر از نگاه منفی به این قضیه نظر نکنیم در این قانون نکات مثبت زیادي وجوددارد .

قانونی، تأمین آزادي بیان و فعالیت سیاسی ، تأمین حقوق زنان و حقوق بشر، ایجاد پارلمان قوي، مسؤول بودن رئیس جمهور در برابر پارلمان ، ضروري بودن گرفتن رأيِ اعتماد اعضاي کابینه از پارلمان ،استقلال دستگاه قضایی ، به رسمیت شناخته شدن زبانهاي مختلف براي اولین بار، رسمیت یافتن فقه جعفري در کنار فقه حنفی و ... را از امتیازها و نکات مثبت و بارز قانون اساسی جدید افغانستان برشمرد .

وي ، افرادي را که نگاه بدبینانه نسبت به این قانون دارند، دوستانی دانست که داراي ملاحظاتی در نوع ساختار قدرت هستند و گفت : بسیاري ازنمایندگان خواهان نظام پارلمانی بودند، اما متأسفانه نظام پارلمانی به شکل دلخواه در قانون اساسی شکل نگرفت و همین امر موجب وجود چنین ملاحظاتی شد .

قانونی افزود : صحیح این خواهد بود که نکات مثبت قانون اساسی را مثبت و نکات منفی آن را نیز منفی تلقی کنیم .

نفس باز بودن راه براي تغییر در قانون اساسی خود یک تحول مثبت است و امیدواریم این دوستان معترض بتوانند از طریق یک مبارزهٔ مسالمت آمیز سیاسی و پارلمانی از طریق پارلمان اصلاحاتی را که به نفع مردم افغانستان است، در آینده انجام دهند.

وي ، دربارهٔ وضعیت امنیتی افغانستان نیز اظهار داشت : وضعیت امنیتی ازدو دیدگاه قابل بررسی است: از یک سو روند تامین امنیت در بسیاري ازنقاط افغانستان به خوبی پیش می رود و در مناطق زیادي جنگ پایان یافته است ، اما از سوي دیگر مثلث القاعده ، طالبان و حکمتیار مجددا تشکیل وسازماندهی شده و تحرکهاي نظامی آنان افزایش یافته است .

قانونی با بیان این که طالبان و القاعده اکنون در برخی از نقاط افغانستان صاحب جبههٔ نظامی شده اند، گفت : این وضعیت نشان می دهد که ما در برابر آنان دستاورد چندانی نداشته ایم.

مشاور امنیت داخلی رئیس دولت افغانستان دربارهٔ علت ایجاد این وضعیت گفت : مجموعه یي از عوامل داخلی و منطقه یي در ایجاد این وضعیت دخیل بوده است .

وي افزود : با شجاعت اعلام می کنم که در مبارزه با دهشت افکنی ما دستاورد چندانی نداشته ایم ودرسال جاري نسبت به سال گذشته حوادث و تهدیدهاي دهشت افگنی در افغانستان افزایش یافته است و حمله به مدارس ، عملیات انتحاري و تحرکهاي جبهه یي طالبان از جمله شاخصهاي این وضعیت ناامن در افغانستان در سال جاري بوده است.

نفس باز بودن راه براي تغییر در قانون اساسی خود یک تحول مثبت است و امیدواریم این دوستان معترض بتوانند از طریق یک مبارزهٔ مسالمت آمیز سیاسی و پارلمانی از طریق پارلمان اصلاحاتی را که به نفع مردم افغانستان است، در آینده انجام دهند.

دو غزل از سید اسماعیل بلخی

رفیق راه مقصد

زجا برخیز جانا! وقت ایثار است، آگه شو
ملل را آبرو از زحمت وکار است، آگه شو
نباشد قیمت و ارزش به گیتی جنس کاسد را
متاع هر عمل را روز بازار است، آگه شو
وصال یار خواهی، پیشه کن شب زنده داری را
تو در خواب و رقیب سفله بیدار است، آگه شو
شکرخند حریفان، شهد کامی بر نمی آرد
به نفع خویش هر کس رند و عیار است، آگه شو
زچنگال عقاب، ای مرغ خوش باور! مشو غافل
هنوزش جوجهٔ کبکی به منقار است، آگه شو
در این مرتع چریدن یک نفس کاری بود مشکل
شبان وادی ما مشت خونخوار است، آگه شو
زخون نوجوانان پادزهری در بغل باید
که نیش و زهر استعمار چون مار است، آگه شو
لب گرگان چند از خون ما سرخ است، می بینی؟
به قوم زنده این سان زندگی عار است، آگه شو
چمن از اتفاق گل شکوه و رونق افزاید
به تحریک نفاق ما چه اسرار است، آگه شو
بت ریب و ریا بر هم زند بنیاد وحدت را
اگر کاوش کنی، در جیب دیندار است آگه شو
ز اشک بینوایان دجله ها جاری است هر سالی
به ملت وعده های بند و انهار است، آگه شو
ستمکارا! ستاند چرخ از دستت ستمکاری
به دوش ناتوانت تا به کی بار است؟ آگه شو
مده افزون زحد خویش رنج زیر دستان را

تو را هم نوبت پالان و افسار است، آگه شو
نگردد وادی هجران بدین نازک خیالی طی
رفیق راه مقصد، "بلخیا"! خار است، آگه شو

شهباز رفعت

گفتند خوش در گوش دل؛ چون عاشق دیوانه شو
گر وصل او خواهی، زخود بیگانه شو، بیگانه شو
در عشق او گر صادقی، باید بسوزی خویشتن
در شعلهٔ عشقش، دلا! پروانه شو، پروانه شو
انسانی و داری شرف بر جمله خلق ما سلف
چون از ملایک بهتری، فرزانه شو فرزانه شو
تاکی گرفتار هوس محبوسی اندر این قفس
تو شاهباز رفعتی، شاهانه شو، شاهانه شو
بگذار هستی راز خود، فارغ شو ازکبر و محن
همچون علی در راه حق مردانه شو، مردانه شو
تسلیم شو، بگذر زجان، تاره دهندت در جنان
با انبیا و اولیا همخانه شو، همخانه شو
در عشقش ار خواهی سبق، مطلب تو از حق غیر حق
در بارگاهش چون حسین جانانه شو، جانانه شو
"بلخی"! تو و این رتبه ها نبود به غیر از ادعا
مجنون صفت در این جهان افسانه شو، افسانه شو

نوای وقت

علامه اقبال لاهوری

خورشید به دامانم، انجم به گریبانم
درمن نگری هیچم، درخود نگری جانم
درشهر وبیابانم درکاخ وشبستانم
من دردم ودرمانم، من عیش فراوانم
من تیغ جهان سوزم، من چشمه یی حیوانم
چنگیزی وتیموری، مشتی زغبار من
هنگامه یی افرنگی، یک جسته شرار من
انسان وجهان او، از نقش ونگارمن
خون جگر مردان، سامان بهار من
من آتش سوزانم. من روضه یی رضوانم
آسوده وسیارم، این طرفه تماشا بین
درباده یی امروزم، کیفیت فردا بین
پنهان به ضمیر من، صد عالم رعنا بین
صد کوکب غلطان بین، صد گنبد حضرا بین
من کسوت انسانم، پیراهن یزدانم
تقدیر فسون من، تدبیر فسون تو
توعاشق لیلائی، من دشت جنون تو
چون روح روان پاکم، از چند وچگون تو
تو راز درون من، من راز درون تو
از جان توپیدایم، درجان توپنهانم
من رهرو وتو منزل، من مزرع وتوحاصل
توساز صداآهنگی، توگرمی این محفل
آواره یی آب وگل؛ دریاب مقام دل
گنجیده به جامی بین این قلزم بی ساحل
از موج بلند تو، سربرزده طوفانم

شیونی از "شیون کابلی"

در کتاب ولی احمدنوری

ابوبکر سبزوار

یک مسیحا نفسی را برسان
طاقت دیدن خونخواران نیست
لحظه ای باز پسی را برسان
سر این دارهء دزدان حقوق
بند و دار و عسسی را برسان

در تاریخ کشور ما، استبداد از هر قشر و طبقه یی قربانی گرفته است. نظام حاکم از هرکه احساس خطر کرده است، یا به دهن توپش بسته و پاره پاره اش کرده است، یا زنجیر بر پایش بسته و راهی زندانش نموده ویا این که ناچار به ترک خانه و کاشانه اش نموده است. این داستان درد ناک ملتی است که باید شلاق ظلم را خاموشانه تحمل می کرد و چون از درد ناله سرمی داد، باید ناله را در گلویش خفه می کردند تا مبدل به فریاد خشم نگردد.

این ناله های درد آلود را از قشر های محروم جامعه تا مردانی از خانواده های وابسته به دربار همه تجربه کردند و چه بسیار که مردی از تبار شاهان هم سلول و هم زنجیر مردی از شمار محرومان و پا برهنگان بود و وجه مشترک هردو این که پرخاش گران نترس و ضد استبداد بودند.

ماجرای زندگی سردار محمد رحیم (شیون) چنین است. مردی که شوری در سر داشت و دردی دردل، ناچار ترک وطن گفت ولی تا آخرین نفس از یاد وطن نیاسود و سرانجام دور از وطن در دیاری دوردست چشم از جهان فروبست. اگر همت دوست گرامی ولی احمد نوری نمی بود، شاید بسیاری از زوایای زندگی این شاعر درد کشیده در پردهء ابهام پنهان می ماند.

ولی احمد نوری که خود نیز دور از وطن سالهای بسیاری را به سر آورده، می داند که درد دوری از وطن تا چه حد جانسوز است و به همین علت خواسته است تا حتی به بهای پذیرفتن رنج سفر به کشور های دیگر و مصاحبه و دیدار با کسانی که با شیون



رابطه یی داشته اند، حقایقی از زندگی آن بزرگمرد را که عمری در آتش دوری از وطن سوخت، گرد هم آورد. الحق کاری در خور ستایش انجام داده و باید به وی آفرین گفت. این کتاب در پاریس به طبع رسیده است و چون در کابل در دسترس همه ادب دوستان نبود، من مطالبی از آن را در این نبشته گردهم آوردم با این تأکید که این مختصر هرگز ادب دوستان و پژوهش گران ادب و تاریخ را از مراجعه به اصل کتاب بی نیاز نمی سازد. در این مقال فقط معرفی کتاب (شیون کابلی) منظور نظر بوده است.

•••

اسم کتاب:
سردار محمد رحیم ضیائی(شیون کابلی)
نگارنده: ولی احمد نوری
چاپ انجمن فرهنگ افغانستان- شهر لیموز – فرانسه
تاریخ چاپ: میزان۱۳۸۲شمسی – اکتوبر ۲۰۰۳ میلادی
تعداد: ۱۰۰۰ جلد

•••

ای خدا دادرسی را برسان
ناکسان گیر و کسی را برسان
خلق در بادیه ره گم شده اند
نغمه های جرسی را برسان
داد مظلوم به کس می نرسد
مرد فریاد رسی را برسان
حالت مخمصه آمد به وطن

محمد رحیم ضیائی متخلص به شیون کابلی فرزند سردار محمد عمر خان و نواسهء امیر عبدالرحمن خان در هفتم جون ۱۸۹۵ میلادی (سرطان ۱۲۷۴ هـ ش) در کابل بدنیا آمد. مادرش (دولت خاتون) سورتی شغنانی سردار بود.

تحصیلات ابتدایی را در مکتب حبیبیه فرا گرفته بعدا از مکتب حکام کابل فارغ التحصیل شد. او به زبانهای اردو ترکی انگلیسی و عربی آشنایی حاصل نمود و از آغاز جوانی به شعر و ادب علاقهء فراوان داشت. «شیون» با خلیل الله خلیلی هم سن وسال و دوست بود و از محضر پر فیض قاری عبدالله خان ملک الشعرای وقت در شعر و ادب بهرهء فراوان برد.

شیون در دوران امیر حبیب الله خان در قطار مشروطه خواهان شامل بود.

آن گونه که نوری در کتاب خود به آن اشاره دارد، مشروطه خواهان به دو دسته تقسیم شده بودند. دستهء راست به رهبری سردار نصرالله خان خواستار یک نظام متمرکز و مخالف با آرادی بیان و تجدد بودند.

در مقابل، دستهء دوم خواستار تغییرات اجتماعی و اقتصادی از طریق اقتباس از مظاهر تمدن غرب بوده رهبری این جناح را شهزاده امان الله خان عین الدوله بعهده داشت. در این گروه نیز دو جناح تند رو و میانه رو وجود داشت. تندروها خواستار تغییرات سریع و بدون اعتنا به عکس العمل های احتمالی از جانب ملت بودند که شیون از آن جمله بود، ولی در مقابل، میانه رو ها خواستار تغییرات تدریجی بودند. جنرال محمد نادر خان و برادرانش نمایندهء این گونه طرز فکر بودند.

شیون که سخت شیفتهء امان الله خان بود، تندروی های وی را می ستود و از طرز فکر نادر خان انتقاد می کرد. پس از به قدرت رسیدن امان الله خان شیون بین سالهای ۱۹۰۵ الی ۱۹۰۸ در ولسوالی حضرت امام بحیث حاکم ایفای وظیفه کرد.

پس از سقوط امان الله خان، در دوران حکومت حبیب الله خان کلکانی، راه شیون از دوستش خلیل الله خلیلی جدا شد. شیون افغانستان را ترک کرد و به تاشکند پناه برد درحالی که خلیلی با دولت جدید همکاری کرد ص۵

از ضمیر بلا تکلیف قرن

جنون سرگشته و تاریخ
از دهان پوسیدهٔ فصل
متصاعدی گردد
از ضمیر بلا تکلیف قرن
دموکراسی بدوشان
آمدند ،
جیوهٔ آیینه را جراحی می کنند
مادر!
مادر!
من سرزمینم را کجا پنهان کنم!؟

سید فریدون ابراهیمی

شیونی از "شیون کابلی"...

و به مقامات بالا رسید. این خود زمینه ساز اختلاف میان آندو گردید و شیون خلیلی را نبخشید. اشعار هجوآمیز وی در مورد استاد خلیلی نمایانگر همین اختلاف است.

شیون در سال(۱۹۲۹) با نائب سالار غلام نبی خان چرخی که او نیز به عزم کمک به بازگشت امان الله خان به شوروی آمده بود همکاری داشت و همین سابقه نیز از جمله عواملی بود که شیون را در نزد نادر خان و اخلاف وی چهرهٔ نامطلوب جلوه داد.

زمانیکه نادر خان به قدرت رسید، شیون به افغانستان برگشت اما در اثر صراحت لهجه و اشعار نیشدارش مغضوب واقع شد. قرار بود که دستگیر گردد اما شناختی که با مردم سمت شمال افغانستان داشت، موفق به فرار شد و بار دیگر از آمو گذشت و به اتحاد شوروی پناه برد.

از این پس دوران رنج های بی پایان شیون آغاز شد. او از خانواده و بخصوص دختر کوچک خود خدیجه (بعد ها میرمن پروین خوانندهٔ مشهور) جدا شد. در ابتدا در شوروی دستگیر و بعد آزاد گردید و با یک زن روسی ازدواج کرد. اما در دوران جنگ جهانی دوم که بدستور استالین تمام خارجیانی را که پاسپورت نداشتند دستگیر و به اردوگاههای کار اجباری سایبریا فرستاده شدند، شیون نیز در شمار آن زندانیان بود.

پنج سال دوران زندان سایبریا، از دردناکترین دوران زندگی شیون بود. در دوسال آخر او هیچ اطلاعی از همسر روسی خود و پسر کوچک خویش عبدالرحمن نداشت. او در دوران زندان طلاقنامه ای را امضاء کرد که گویا از طرف زن روسی اش (سیما) فرستاده شده بود. تلخی روز های زندان در این شعر از وی بخوبی هویداست:

تا بدانند چه عذابست به مرغان اسیر
کاش صیاد فتد در قفسی روزی چند
بشکند دست قفس ساز ونشانندهٔ دام
تا برآریم براحت نفسی روزی چند
تا به ذیروح روادار عذابی نشود
محبسی باید و زنجیر کسی روزی چند

در سال ۱۹۴۴ در اثر وساطت دوستان وی در سفارت افغانستان در ماسکو، استالین امر آزادی شیون را صادر کرد اما وقتی شیون به خانه برگشت، همسرش با مرد دیگری ازدواج کرده و فرزندش عبدالرحمن نیز فوت کرده بود.

شیون بار ها تلاش نمود تا اجازهٔ بازگشت به افغانستان را بدست آورد اما دولتمردان وقت از پذیرش این تقاضای او ابا ورزیدند. بعنوان مثال در سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ او دو عریضه به سردار محمد داود صدراعظم وقت ارسال و تقاضا نمود تا اجازه یابد به کشور بازگردد که هردو تقاضای وی بی جواب ماند. اشعار ذیل در مورد داود خان یاآور خشم و ناراحتی شیون از اوست:

نشنیدی اگر فغان و فریاد مرا
خرسند نکردی دل ناشاد مرا
من داد خودم به دادگر بسپردم
تا از تو ستاند به جفا داد مرا

●●●

با اهل وطن چرا زرنگی داری
در ملک خدا چه دیده تنگی داری
تاکی به حفاظت مقام شومت
باخوردوکلان چال و دورنگی داری

●●●

از عدم آمده ای تا به وجود
نیست از بهر تو نفرین کمبود
در رحمت به رخ منحوست
گشته تا روز قیامت مسدود
راستی در دل تو ناپیدا
مردی از فطرت پستت مفقود
باطنت چون شب تاریک سیاه
طینتت چون دل شیطان مردود
حسد از سینهٔ پر کینهٔ تو
به فلک رفته چو از گلخن دود
سر طاس تو گواهی دارد
که در آن نیست فراست موجود
از نفاق و حسد و کینه گذر
که از این شیوه نیابی بهبود
صافدل باش که خوشبخت شوی
بخل دروازهٔ شادی نگشود
حسد و بخل و دوروئی و نفاق
روزیی هیچ کسی را نفزود
عزت و منصب و جاهت به دمی
می رود از تو و گوئی که نبود
چون رسد وقت مجازات، بود
ناله بیجا و ندامت بی سود

شیون این شعر و جریان بی جواب ماندن عرایض خویش را به دوست خود استاد خلیلی نوشت و خلیلی در جواب به کنایه نوشت:

(شیوهٔ لطفی را که سردار داود خان به تو کرده بود در نامه ات خواندم. در چشم این فرزند احمدشاه و اکبر یک نوع برق مردانگی می درخشد، من شیوهٔ او را با تو ستایش کردم).

واین شعر را نیز به او فرستاد:

تا سر به پای آن بت رعنا گذاشتیم
پا بر فراز طارم اعلی گذاشتیم
قانع به فیض خشک لبی های ساحلیم
گوهر به تنگ چشمی دریا گذاشتیم
شب رفت و شکوه های دلم ناشنیده ماند
این ارزو به وعدهٔ فردا گذاشتیم
دیگر زبیقراری ایام ایمنیم
با آن قرار ها که به صهبا گذاشتیم
مائیم و یوسف دل و زندان زندگی
مصر عزیز را به ذلیخا گذاشتیم
تا سر به پیش بی سر و پائی مباد خم
هر آرزو که بود سراپا گذاشتیم
بر آستان اهل نظر جا گرفته ایم
تا دست ردبه سینهٔ دنیا گذاشتیم
جزخارخارعشق که بردل خلیده است
هرگل که داشت خار تمنا گذاشتیم

با وجود دوستی نزدیک میان این دوشاعر که در نامه های خلیلی به او نیز منعکس است، شیون هجویات جالبی در مورد استاد خلیلی دارد. اما این هجویات هرگز موجب کدورت خاطر استاد از شیون نشد و این خود نشان از عظمت روح استاد بزرگ، خلیلی دارد.

زمانیکه استاد خلیلی از وکالت ولسی جرگه تبدیل و بحیث سفیر کبیر در عراق و عربستان سعودی توظیف گردید، شیون به او نوشت:

استاد ببین لطف خدای همگان
کز کرسی اجلاس فگندت پایان
بردت به حجاز تا که گاه جمره
سنگی نرود خطا به سوی شیطان!

●●●

استاد دعا کنم به دربار جلیل
ایکاش شوی سفیر در اسرائیل
باشد قدم بدت اثر اندازد
گردند مقابل عرب خوار و ذلیل!

●●●

استاد مکن عزم نفاق و نیرنگ
هستی توسیه رکاب درصحنهٔ جنگ
تا سوی حجاز رفته ای از کابل
بر خاک عرب از قدمت بارد سنگ

●●●

جنایتکار مستی را ببخشم
به عصیان پای بستی را ببخشم
منافق در خور بخشایشم نیست
چسان کذاب پستی را ببخشم

رباعی آخر به جواب رباعی بسیار زیبائی از استاد خلیل الله خلیلی است که محملی بود برای سرودن چند رباعی هجو آمیز از جانب شیون به استاد. رباعی چنین بود:

الهی رند مستی را ببخشای
به عصیان پای بستی را ببخشای
خلیل بت شکن را هرکه بخشد
خلیل بت پرستی را ببخشای

●●●

شاید در نامه ای استاد خلیلی از وی بخاطر این سخنان گله کرده باشد که در رباعی دیگری خطاب به استاد نوشت:

استاد مرنج از مزاح یاران
نسبت چه بودترابه مسکین شیطان
او بود معلم ملائک وقتی
اکنون تونی استاد تمام لغمان!

همانگونه که ولی احمد نوری در کتاب (شیون کابلی) می گویند شیون عادت داشت تا یارانی را که دوست شان داشت با نیش قلم و بیان هجو آمیز بیازارد و دوستان نه تنها از این گفته ها آزرده نمی شدند بلکه نیش سخن او را به جان می خریدند.

در سفری استاد خلیلی به ماسکو رفت و سخت اشتیاق دیدار شیون را داشت، اما در آن زمان شیون در آن شهر نبود. خلیلی چنان از فراق دوست خود تنگدل گشت که قصیده ای در فراق او انشاد نمود: چند بیت از آن قصیده چنین است:

کنم باز از جور ایام شیون!
که بی رویت امروز شد شام شیون!
اگر با سلامی نکردی دلم شاد
کنون شاد سازش به دشنام شیون!
به دشنام آزادگان رنجه بهتر
نه از سفله مردم به انعام شیون!
در این شهر برمن حرامست بی تو
که نوشم به شادی می از جام شیون!
در این باغ بی تو گناهست دیدن
به گلهای نغز دلارام شیون!
بباد تو پرواز کردم در این راه
چو شهباز برجسته از دام شیون!
از ان شعر های دلاویز و شیرین
بساط مرا کن شکر فام شیون!
بیا تا ترا بوسه باران نمایم
فزونتر ز اعداد و ارقام شیون!
بیا تا ستاند دل مهرجویم
ز برق نگاه تو الهام شیون!...

در این کتاب نامه های استاد خلیلی عنوانی شیون به چاپ رسیده ولی مولف به نامه هائی که شیون به خلیلی فرستاده، دسترسی نداشته و از کسانی که ممکن است چنین نامه هائی در اختیار داشته باشند(بخصوص اعضای خانوادهٔ استاد خلیلی) تقاضا نموده است تا در صورت در اختیار داشتن چنین نامه هائی، آنرا در اختیارش بگذارند تا در چاپ بعدی، شامل کتاب گردد.

شیون با ابوالقاسم لاهوتی شاعر ایرانی که او نیز در اتحاد شوروی می زیست رابطهٔ قلمی داشت. شیون شعری به لاهوتی به این مطلع فرستاد:

آنکه رخشنده به خاوربه سماء سخن است
طبع عالیش به آفاق بسی مبرهن است

لاهوتی در جواب این شعر زیبا را به شیون فرستاد:

نامهٔ دوست رسیده است واتاقم چمن است
خانه ام روشن از آن خامهٔ پرتو فگن است
خط از او کاغذ از او پاکت از او شعر از او
چمن اندر چمن اندر چمن اندر چمن است
نام ناخوانده، ازان عطروحلاوت که دراوست
نامه خودگفت کزان طوطی شیرین سخن است
من زمین سخن او مهر درخشان سخن
این عجب نیست که روی سخن او به من است
عجب این است که از گرمی آن آب نشد
دل که دل نیست، پدر سوخته گوئی چدن است!
من و او هردو زگلزار حیاتیم ولی
سایهٔ ظلم برافتاده برآن چون کفن است
ای خوش آندم که شود خانهٔ آزادی و بخت
گلشن ماکه کنون لانهٔ زاغ وزغن است
شیون! آنروز شود شادی مطلق آری
خندد آن دیده که بکشاده بروی وطن است

شیون دور از وطن زیست ولی دمی از یاد وطن فارغ نبود:

یارب به فغان خلق افغان رحمی
بر تودهٔ بی لباس وبی نان رحمی
نی جا به مزار و نی کفن را امید
بر بی سر وسامانی ایشان رحمی

●●●

ای آنکه سپهر را پر از ابر کنی
روزی به دهان مومن و گبر کنی
کردند تمام خانه های تو خراب
ای خانه خراب تا بکی صبر کنی!

شیون به ماهیت نظام ضد انسانی کمونیستی بهتر آشنا بود و به همین علت به محصلین افغان که به ماسکو می رفتند گوشزد می کرد که هیچگاه در برابر روسها خود را حقیر وانمود نکنند، عزت نفس خود را نگهدارند و بلند همت باشند. او می گفت(رژیم کمونیستی روسها را خوار و ذلیل گردانیده، افغانها باید شهامت ارثی شان را حفظ نمایند). سردار علاوه می کرد:

«جوانانیکه تازه وارد روسیهٔ شوروی می شوند، بر حسب مسلک کمونیستی از طرف دوشیزه های جذاب استقبال می شوند که در مرحلهٔ اول جالب به نظر می رسد اما هرچند مدت که بیشتر در شوروی گذشتانده شود، انسان به خبث باطن کمونیست ها بیشتر آشنائی می یابد و این به مانند دوای تلخی است که روی آنرا با شرینی پوشانیده اند. به مجردی که شرینی آن ذایل گردید، ذایقهٔ تلخ آن بروز می کند».

سردار طرفدار آن نبود که تعداد زیاد محصلین افغانستان به روسیهٔ شوروی اعزام شوند و می گفت: «اینها که برگردند به خرمن وطن آتش می زنند».

ظالمانی را که او را از وطن آواره نمودند، چنین نفرین نمود:

خدایا ظالمان را مثل من کن
گرفتارش به این رنج و محن کن
خدایا هرکه دورم از وطن کرد
چو من درمانده و دور از وطن کن

شیون کابلی در۱۵ فبروری سال ۱۹۸۶ مطابق ۲۶ دلو ۱۳۶۵هـ ش به عمر نود ویک سالگی در دیار غربت چشم از جهان فرو بست و قرار وصیت خودش در قبرستان مسلمانان شهر تبلیسی گرجستان به خاک سپرده شد. روانش شاد باد.

ایران – انقلابی که بیست و پنج ساله شد

وحید مژده

امروز در ایران از دکتر عبدالکریم سروش به عنوان بزرگترین تئوریسین اصلاح طلبی نام برده می شود اما سروش که خود غرب و دموکراسی غربی را از نزدیک تجربه کرده است



می گوید:

بعضی ها برای دموکراسی ذات قائل هستند و تعریفی خاص برای آن متصورند. من می خواهم بگویم این حرفی نادرست است که ما یک دموکراسی نداریم بلکه دموکراسی ها داریم. در ترم گذشته من در امریکا دموکراسی و اسلام تدریس می کردم که دانشجویانی از ملیت هایی مختلف در کلاس حضور داشتند من به آن ها گفتم توقعی ندارم شما دربارهٔ بحث های اسلامی چیزی بدانید و من خود آن را برای شما ارایه می دهم. اما پیرامون مسالهٔ دموکراسی با هم گفت وگو کردیم که در ابتدا از تعریف آن شروع کردیم. از یونان باستان تا امروز، در این تعریف ها، تعریف خاص و ذات دموکراسی وجود نداشت، بلکه نکته این بود که براساس دوره های زمانی و احوال هر دوران یک دموکراسی حاکم بوده. بدان ها گفتم که ببینید شما در تعریف دموکراسی می گویید که حکومت مردم بر مردم، اما امروزه اگر شهروند یک کشور نباشید، حتی اگر عالم بزرگی باشید، حق رأی و حتی کار ندارید. شما باید توجه داشته باشید که در تعریف دموکراسی به کدام کاراکتر توجه می کنید و آن را مهم تلقی می کنید. دموکراسی دینی یعنی این که ارزش های دین در جامعه یی که دینداران آن را فرا گرفته اند در عرصهٔ عمومی نقش ایفا کنند، اما در جامعهٔ سیکولار چیز دیگری به عنوان کاراکتر مهم مورد توجه قرار می گیرد و آن مبنایی برای دموکراسی می شود. بر این اساس آنچه رنگ و بوی دموکراسی را تغییر می دهد، کاراکترها و مؤلفه های خاص یک جامعه است. این دموکراسی هم درچارچوب عقلانیت مدرن جای می گیرد و هم مؤلفه های آن مشخص است و از این رویکرد است که ما تکثر دموکراسی در جامعه جهانی داریم.(محمد صادق حقیقت و محمد عثمانی – مصاحبه با دکتر عبدالکریم سروش.)

تردیدی نیست که در جامعهء ایران گرایش هایی هم وجود دارد که هر پیام نو را بدعتی کفر آمیز تلقی می کند و بر ضد آن در چند سال گذشته از دست بردن به خشونت نیز روگردان نبوده است اما رفته رفته این نوع طرز فکر در برابر خواست اکثریت ملت رنگ می بازد. جامعه در طول این بیست و پنج سال فوق العاده متحول شده است و دیگر اصلاح طلبی یا محافظه کاری به روحانی و غیر روحانی مرز بندی نمی شود. امروز در سطح روحانیت در ایران ما شاهد وجود شخصیت های اصلاح طلب هستیم همان گونه که در قطار تحصیلکرده های ایرانی در کشور های غربی می توانیم کسانی را بیابیم که نظریات شان محافظه کارانه است. اما چه اصلاح طلب و چه آنانی که محافظه کار خوانده می شوند در حفظ ارزش های دینی، ملی و دست آورد های انقلاب تأکید دارند، تفاوتی اگر وجود دارد در چگونگی حفظ این ارزش هاست. اصلاح طلبان این ارزش ها ودست آورد ها را در تحولی مستمر و دینامیک می بینند و ایستایی را شایان شأن آنان نمی دانند اما محافظه کاران این دغدغهء خاطر را دارند که مبادا این تغییر و تحول به مسخ آن ارزشهای مقدس بینجامد.

دغدغهء خاطر آنانی که با اصلاح طلبی سر ناسازگاری دارند در همین است که مبادا آنچه که در پردهء مردم سالاری و فضای باز سیاسی عنوان می شود راهگشای فرهنگ بیگانه در جامعه باشد و ارزش هایی که ملت بخاطر آن آنهمه قربانی داد به فراموشی سپرده شود.

به یاد داریم که زمانی در سال ۱۳۵۷ پایه های نظام ۲۵۰۰ سالهٔ دودمان شاهنشاهی در ایران با تکبیر های کفر ستیز ملت مسلمان به لرزه افتاده بود و جهان باور می کرد که دیگر انقلاب اسلامی در ایران در آستانهء پیروزی است، رسانه های گروهی تحت فرمان استکبار جهانی در مورد این که ایران بتواند دولت کارآمدی را پس از سرنگونی کامل رژیم شاه در این کشور داشته باشد ابراز تردید می کردند و سعی در القای این باور داشتند که از آنجایی که اسلام به عنوان یک نظام سیاسی از آزمایشگاه تاریخ موفق بیرون نیامده است، روحانیون در ایران قادر نخواهند بود نعم البدلی برای رژیم شاه باشند و به زودی نیروهای چپ به خصوص حزب توده قدرت را در این کشور از آن خود خواهد کرد.

اما ایران برخوردار از رهبری آگاه و ملتی یک پارچه و متحد بود. ملتی که سر از فرمان رهبر بر نمی تافت و در راه دفاع از آرمان های انقلاب حاضر به هر نوع قربانی بود.

همانند هر انقلابی دیگر، انقلاب اسلامی ایران هم، مراحلی از تند روی ها را تجربه کرد و در مصاف و مقابله با دشواری های فراوان قرار گرفت و دست و پنجه نرم کرد. در شرایطی که استقلال و تمامیت ارضی ایران مورد تجاوز قرار داشت، طی یک اقدام تروریستی ۷۲ تن از کادر های برجستهٔ رهبری این کشور به شهادت رسیدند و چند روز بعد رئیس جمهور وصدراعظم این کشور در یک اقدام تروریستی دیگر کشته شدند. ملت ایران جنگ تحمیلی هشت ساله را با وجود تلفات و خسارات بزرگ تحمل کرد و با تعزیرات اقتصادی جهان غرب مقابله نمود.

اگرهر انقلاب نوپایی با چنین دشواری هایی عظیم مواجه می شد به مشکل می توانست دوام بیاورد ولی انقلاب ایران دوام آورد و امروز ما شاهد برپایی بیست و پنجمین سالروز پیروزی این انقلاب هستیم.

انقلاب اسلامی در ایران ویژگی های خاص خودش را دارد. از انقلابیونی که دیروز از دیوار سفارت امریکا در تهران بالا رفتند و این سفارت را به عنوان لانهء جاسوسی اشغال نموده و امریکایی ها را به گروگان گرفتند و به عنوان تندرو ترین عناصر در انقلاب شناخته می شدند امروز جمعی در صف اصلاح طلبان قرار دارند. کشمکش میان اصلاح طلب و محافظه کار هرچند گاهی مخالفان انقلاب اسلامی ایران را به این طمع خام می افگند تا از آن به نفع سیاست های توسعه طلبانهء خود سود جویند ولی ملت ایران در مقاطع مختلف بار بار نشان داده است که از منافع ملی خویش به هیچ قیمتی دست بر نمی دارد و تجارب کشور های دیگر به خصوص همسایگان را مد نظر دارد.

تحولاتی که اینک در داخل ایران در جریان است برخلاف آنچه که رسانه های خبری غرب تبلیغ می کنند نمایانگر ضعف ارزش های انقلاب در اذهان ملت نیست بلکه نشان از پویایی انقلاب ایران دارد. کسانی که خواهان فضای بازتری در جامعه اند، هرگز در صدد نیستند تا با تقلید کور از مظاهر تمدن غرب بار دیگر به راهی بروند که در سال ۱۳۵۷ از آن برگشتند و ملت به خاطر آن انقلاب کرد. تجارب گذشته به ملت ایران آموخته است که اصل مردم سالاری باید با ارزش های معنوی که ریشه در عمق جان ملت دارد همخوانی بهم رساند در غیر آن ره بجایی نخواهد برد.

همایش بین المللی مبارزه ...

در این همایش نمایندهٔ دفتر کنترول مواد مخدر سازمان ملل متحد طی صحبتی از همکاری های سازمان ملل متحد در مبارزه علیه مواد مخدر در سراسر افغانستان معلومات داد و از کمک های برجستهٔ کشورهای آلمان وانگلستان قدر دانی نمود. خانم مارشن سفیر انگلستان وعده داد که از طریق سیستم های بازسازی در زمینه همکاری خواهد نمود.

طبق آخرین آمار سازمان ملل متحد کشت خشخاش در افغانستان نسبت به دوران حاکمیت طالبان افزایش قابل ملاحظه یی یافته است.

یک سازمان انگلیسی که در زمینه تحقیق نموده است هفتهٔ گذشته اعلان نمود که دولت افغانستان در جلوگیری از کشت وقاچاق مواد مخدر ناکام شده است در حالی که رژیم طالبان در این زمینه موفقیت های بیشتری داشت.

دولت افغانستان اعلان نموده بود در مقابل محو هر جریب زمین کشت شدهٔ خشخاش سه صد دلار امریکایی پرداخت خواهد کرد سیاستی که موجب تشویق زارعان به کشت خشخاش جهت دست یافتن به رقم بزرگتر پول گردید.

این اجلاس که به اشتراک مسؤولان ملکی و نظامی دولت ووالیان در سالن وزارت خارجه دایر گردیده بود طی صدور قطعنامه یی از دولت وجامعهٔ بین المللی خواسته است به خاطر محو کشت خشخاش باید به زندگی و معیشت دهقانان نیز توجه شود.

دولت افغانستان اخیراً به خاطر تشویق دهقانان به زرع گندم وبرنج ودیگر حبوبات به جای خشخاش مالیات مواد ارتزاقی که از کشورهای همسایه ویا دور وارد می گردد، بلند ترین محصول گمرکی یعنی شانزده فیصد مقرر نموده است که باعث خشم تجار و بلند رفتن قیم مواد ارتزاقی شده است. وبه مشکلات اقتصادی مردم به ویژه ماموران افزوده شده است.

تا زمانی که یک پالیسی معقول در جهت محو کشت خشخاش گرفته نشود به مشکل می توان جلو کشت، تولید وقاچاق آن را گرفت.

گرایش عمومی به سوی انتخابات...

.در یک صنف دیگر نیز وضعیت همین گونه بود . واقعیت این است که بر خلاف تصور عده یی که بنا بر جاذبهٔ قدرت سعی در آ ب وتاب بخشیدن به انتخابات قریب الوقوع دارندو بابستن ساز وبرگ های رسمی دولتی بر حوزه های ثبت نام می خواهند چنان وانمود کنند که گویا مراجعه به مراکز ثبت نام گسترده بوده وبا استقبال عموم مردم مواجه گردیده است ،روند اخذ کارت رأی دهی وثبت نام به این منظور ،رونق قابل اطمینانی ندارد.

قبل ازهرعامل دراین زمینه ، باز هم دست آشکار دخالت دولت در مسائل و سوء استفاده از امکانات دولتی در کارزار انتخابات آینده معلوم است واین یکی از مهم ترین انگیزه ها و جدی ترین علت کم بها شدن متاع این بازار است . کمیسیون تعیین شده از جانب دولت ، چنانچه تجربه ثابت کرد ،به هیچ صورتی امکان حرکت مستقلانه نخواهد داشت .این هم عامل دیگری در بی علاقه ساختن مردم به انتخابات خواهد بود .

حضور رئیس دولت انتقالی در اریکهٔ قدرت درحالی که وی کاندیدای جدی برای یک پیروزی در انتخابات آینده می باشد ،وبا صراحت لهجه خود را رئیس آینده می داند. انگیزهٔ دیگری در جهت بی علاقه ساختن مردم نسبت به انتخابات محسوب می شود .

عده یی چنین می اندیشند : وقتی رئیس دولت انتقالی اسلامی در دوربعد هم مقام ریاست را ازآن خود می داند وازموضع قدرت به میدان می آید دیگر چه لزومی به قبول زحمت شرکت در مراسم پردرد سر انتخاباتی وجود دارد ؟

عده یی دیگر به این باورند که چون ثبت نام باشمولیت غیر عادلانه همراه است واز هیچ کسی تذکرهٔ تابعیت مطالبه نمی گرددوثبت نام مطابق مراجعه وصرفاً بر اساس اظهارات مراجعه کننده و نصب تصویر وی در کارت رأی دهی صورت می گیرد پس تفاوتی میان مردم افغانستان و مراجعه کنندگان احتمالاً از آن سوی سرحد باقی نمی ماند ودراین صورت می توان این نتیجه را پیش بینی کرد . پس چه دردی را درمان می کند اشتراک مردم در این روند .

بنابر آن نتیجه گیری این عده از همین حالا بر دوام حکومت آقای کرزی ، بدون قبول رفت وآمد های تشریفاتی ،صحه می گذارد وسرکت در انتخاباتی که نتیجه آن از قبل معلوم است را بیهوده می داند .

مادر مسلمان در تربیت اولاد

سیدناصر تقدسی

از آن جایی که شخصیت وشایستگی فردای فرزندان ما، به تربیت سالم ورهنمود های داهیانهٔ مادران امروزمان بستگی دارد، در این نبشتهٔ کوتاه به یاد کرد نکاتی می پردازیم که بایستی مادران مسلمان به منظور رشد وپرورش روانی ودینی کودکان خویش، آن را رعایت نمایند.

اعتماد به نفس

مادر مسلمان باید فرزندان خود را براعتماد به نفس ومسؤولیت پذیری وبر روی هم برقدرت تعامل وبرخورد نیکو باجامعه عادت دهد، واین مأمول زمانی تحقق خواهد یافت که کودکان در محافل ومجالس گوناگون حضور یابند وبرسخن گفتن بامردم ومشارکت در برنامه های تفریحی وسازنده یی که برجرأت وشهامت آن می افزاید، تشویق شوند.

❖ **کودک نباید تهدید شود:** مادران هرگاه از خطا واشتباه کودکان شان در حضور دیگران، احساس خجلت وسرافگندگی کردند، نباید کودکان خویش را در حضور آنان تهدید نمایند. مادران باید بدانند که این کار، منجر به آسیب پذیری موهبت واستعداد کودک می گردد؛ زیرا کودکان غالباً از طریق ممارست وکوشش برتصحیح اشتباه وهمچنان از طریق رهنمودهای مشفقانهٔ پدر ومادر چیزهایی مفید وارزنده می آموزند.

❖ **کودک باکودکی دیگر نباید مقارنه شود:** مادران باید فرق بین استعدادها وتوانایی های کودکان را درک کنند وبه این ترتیب کودک خود را از رهگذر استعداد وتوانایی خودش مطالعه کنند، نه از نظر استعدادهای سایر کودکان واز همین رو آنان بایستی تلاش کنند که مواهب ومهارت های خاص کودکان شان را شگوفا سازند وبروفق همین استعدادها آنان را طوری توجیه نمایند که به شخصیت ودیانت آنها مفید تمام شود. بدون شک مادری که استعداد وتوانایی کودک خود را بااستعدادها وتوانایی های کودکانی دیگر مقارنه می کند وبراساس همین تقارن، آرزو می برد که کودک وی همانند کودکان دیگر بار بیاید، به اشتباه رفته است، و در چنین حالتی شخصیت این کودک بجای رشد وبالندگی کاملاً مسخ خواهد شد!.

مطالعه وفرهنگ دوستی

مادران مسلمان کوشش کنند که فرزندان شان به کتابخانه رفتن عادت کنند، وبرای آنان فرصت دهند. تا بهترین ومفید ترین کتاب ها ونوارها مخصوصاً نوارهای قرآنکریم ودیگر نوارهای آموزنده را برگزینند واین امر یقیناً خصلت کتابخوانی، مطالعه، پژوهش وفرهنگ پروری را در وجود ایشان نهادینه می کند.

حفظ قرآنکریم

بالاترین وحقیقی ترین محبت یک مادر نسبت به فرزندان خود، این است که به هرگونه یی که می تواند، آنان را به حفظ کل قرآن ویا قسمتی از آن وادار نماید. مادری که به این کار پرقیمت دست می یابد، موفق ترین انسان در جهت همکاری بافرزندان خویش خواهد بود، چه یاریی بالاتر از این بوده می تواند که آنان قرآن یاد بگیرند؛ کتابی که انسان را از شرها وبدی ها وبی باکی ها نگه می دارد وبیماری های روانی وجسمی او را شفا می بخشد ورویهمرفته زمینه های رشد فکری وصفای روحی وی را مساعد می سازد.

رهنمودهای عمومی

مادران مسلمان!

• فرزندان تان را پیش از طعام به ذکر نام خدا«بسم الله» عادت دهید. وهرگاه لقمه یی از دست شان به زمین افتاد، از آنان بخواهید که آن را به شیطان وانگذارند بلکه پس از پاک کردن، دوباره تناول نمایند.

• زمانی که طفل شما به زمین می افتد، فریاد مکشید، بل نخستین چیزی که بایست برای کودک در این اثنا تلقین کنید- بسم الله- است واز وی مطالبه کنید که همواره درهمچو رخدادی خدا را یاد کند.

• تخم حیا را در نفوس فرزندان خویش بویژه دختران تان، از طریق تشویش آنان به پوشاندن عورت شان بکارید، واهمیت این موضوع را به آنان چنان وانمود بسازید که ایشان همیشه به حرمت عورت ووجوب حفظ آن اهتمام نمایند.

• کودکان خویش را به زیبایی دوستی وقیافهٔ مرتب عادت دهید وکوشش کنید که چهره ومظهر آنان همارهٔ زیبا، مرتب وپاکیزه باشد. برای تحقق این هدف، باید چهره ونمود مادران نیز مرتب ونظیف باشد؛ چه کودکان از مادران خویش الگو می گیرند وبه آنان اقتدا می کنند.

• شقاوت وبدرفتاری کودکان را در حضور خودشان به کسی مگویید؛ چه این کار به آنان جرأت می بخشد تابیشتر تمرد کنند وبه آنها اطمینان می دهد که گویا شما از اصلاح ایشان عاجز آمده اید.

• اطفال خود را به داشتن دفترچه یی ویژه عادت دهید که در آن عبارات مفید، سخنان پند آموز، داستان های شیرین واشعار خوب را یاد داشت کنند وبرای آنها زمینه را طوری مساعد کنید که از روزنامه ها، جراید ومجلات نیز بتوانند استفاده کنند، وهرگاه صفحات دفترچهٔ شان پرشد، از آنان بخواهید که نوشته های خویش را بخوانند وشما آنها را برابقای مطالب مفید وامحای مطالب بی مفهوم این کتابچه تشویق نمایید. واین کار بهترین خدمتی است که در راه پرورش استعداد های آنان ونهادینه کردن حس مطالعه وتألیف در وجود آنها انجام داده اید.

بازدهی ومحاسبه

مادران گرامی باید روزانه ویا دست کم هفته وار، یکبار بافرزندان خود مجلس داشته باشند، ودر این مجلس به هریک از فرزندان اجازه دهند تانظریه ها وداشته های خود را باآزادی وآرامی ابراز کنند. چنین نشست ها، به مادرها امکان می دهد تا از یک طرف شخصیت ها واستعدادهای فرزندان خود را بشناسند واز جانب دیگر بررسی ومحاسبه نمایند که آیا در تربیت اطفال شان به هدف مطلوب نایل آمده اند ویا خیر؟ و در نتیجهٔ همین بازدهی ومحاسبه به تکمیل کاستی ها وجبران نقیصه ها دست خواهند یافت.

روابط دپلماتیک میان آمریکا و لیبی از سر گرفته می شود



خبرگزاری رویترگزارش داده است که آمریکا یکبار دیگر در لیبی هیأت دپلماتیک مستقر خواهد کرد.

این خبر به دنبال ملاقات وزیر امور خارجهء لیبی با مقامات دولت بریتانیا در لندن، از سوی مقامات آمریکایی و لیبیایی حاضر در این گفتگوها اعلام شده است.

در همین حال، بریتانیا گفته است که تونی بلیر نخست وزیر این کشور و معمر القذافی رهبر لیبی، با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.

تاریخ مشخصی برای این ملاقات اعلام نشده، اما بریتانیا می گوید که امیدوار است در آیندهء نزدیک صورت بگیرد.

وزیر خارجهء لیبی برای ملاقات و مذاکره با مقامات بریتانیایی، از جمله تونی بلیر، نخست وزیر بریتانیا، وارد لندن شده است.

این گفتگوها پس از آن که لیبی در ماه دسامبر ۲۰۰۳ میلادی اعلام کرد که به برنامه های هسته یی خود پایان می دهد، صورت می گیرد.

ملاقات عبدالرحمن محمد شلقم، وزیر خارجهء لیبی، و تونی بلیر، نخست وزیر بریتانیا، که روز سه شنبه، ۲۱ دلو سال جاری صورت گرفت، نخستین دیدار و گفتگو بین دولت های بریتانیا و لیبی در سطح مقامات ارشد دو کشور در بیست سال اخیر است که در خلال آن، تعدادی از کشورهای غربی به دلیل سیاست های دولت معمرالقذافی، رهبر لیبی، روابط سیاسی خود را با آن کشور قطع کرده یا به کمترین سطح کاهش داده بودند.

مقامات بریتانیایی سفر وزیر خارجهء لیبی به لندن را نقطه یی عطف در روند بهبود روابط دوجانبه و نشانه یی از تلاش دولت لیبی برای خاتمه دادن به انزوای بین المللی آن کشور توصیف کرده اند.

ملاقات وزیر خارجه لیبی با مقامات بریتانیایی با سفر سیلویو برلوسکنی، نخست وزیر ایتالیا، به لیبی و ملاقات وی با معمرالقذافی، رهبر آن کشور، مصادف شده است.

دیدار آقای برلوسکنی نخستین سفر رهبر یک کشور عمدهء غربی به لیبی پس از اعلام تعهد دولت این کشورمبنی بر کنار گذاشتن برنامهء تولید تسلیحات جمعی خود است.

در ماه دسمبر سال گذشته، دولت لیبی، ضمن اعتراف به داشتن برنامه هایی برای تولید جنگ افزارهای کشتار جمعی، اعلام کرد که این برنامه ها را متوقف و در این زمینه، با نهادهای بین المللی ناظر بر این فعالیت ها همکاری کامل می کند.

همچنین، سال گذشته دولت لیبی، در اقدامی به منظور خاتمه دادن به تحریم های بین المللی علیه آن کشور، تصمیم گرفت به خانواده های قربانیان انفجار در یک هواپیمای مسافربری آمریکایی که به عوامل امنیتی لیبی نسبت داده شده بود، غرامت پرداخت کند.

حکومت تونی بلیر و جدی ترین...

کفیل رئیس هیات امنای بی بی سی به صورت واضح وعلنی از دولت بریتانیا به سبب انتشار گزارش خبری که از قول «دیوید کلی» کارشناس امور تسلیحاتی بریتانیا در عراق،تهیه شده بود وتونی بلیر را دروغگو خوانده بود،عذر خواهی کند؛ گزارشی که سبب مرگ «دیوید کلی» گردید . دریی انتشار این عذر خواهی تونی بلیر رضایت خود را اعلام داشت و تأکید ورزید: اکنون دولت و بی.بی.سی می توانند به کارها و برنامه های شان برسند . اما اسرار مرگ «دیوید کلی»که ظاهراً خود کشی نام گرفته است ،هنوز در پردهٔ ابهام باقی است .وحکومت آقای بلیر ازین که نتوانسته است بی بنیاد بودن اظهارات «دیویدکلی» راثابت کند ، عصبانی وسراسیمه است .

از اظهارات رئیس مستعفی بی بی سی نیز برمی آید که این رسانهٔ مهم خبری باوجود آن که دربیشترین موارد امانت کاری ودرست کاری ژورنالیستیک رارعایت نکرده وپیوسته به سود تهاجم نظامی بر ضد عراق تبلیغ نموده وبرای تو جیه سیاست های دولت انگلیس جو سازی نموده وبی طرفی ،انصاف وعدالت پسندی مطبوعاتی رازیر پا کرده است، بازهم ازجانب مقامات حکومتی تحت فشار قرار داشته تا برای رد اظهارات «دیوید کلی» زمینه سازی نموده ودر کادر مدیریتی خود تن به اصلاحات مورد نظر دولت بزند.

مدیر عامل بی بی سی در استعفا نامهء خود گفته است:

وی جانب داراستقلال درتصمیم گیری بی بی سی بوده وبرای دفاع از این استقلال است که ازبست خودش مستعفی می شود. هردو مقام مستعفی شدهٔ بی.بی.سی هیچگونه خطاکاری یا عذر خواهی از جانب بی بی سی را عنوان نکرده اند . در حالی که مدیر عامل جدید در بیانیهٔ صادر شده به خاطر خطاهای به عمل آمده ا زجانب بی بی سی از کسانی که این خطا ها گویا بر حیثیت آنان زیان رده است (که بدون شک منظور تونی بلیر است) ،عذر خواهی کرده است . این در حالی است که صدهاتن ازکارکنان بی.بی.سی، درسراسر بریتانیا با برپایی تظاهراتی ،از«گریک دایک» مدیر عامل بی بی سی دفاع کرده و حکومت تونی بلیر را به خاطر جو سازی بر ضد عراق وسر انجام حمله به آن کشور به باد انتقاد گرفته اند.درعین حال مجلس عوام بریتانیا در بارهٔ عوامل و انگیزه های جنگ بر ضد عراق وگزارش های اطلاعاتی مبنی بر توان تسلیحاتی که در بارهٔ عراق ارایه شد ودر بارهء آن تبلیغ دامنه داری صورت گرفت ،مجلس مناظره را روز پانزدهم دلو اغاز کرد و طی آن مخالفان جنگ با عراق در برابر تونی بلیر و سخنرانی وی دست به اعتراض زده چندین بار اورا وادار به سکوت نمودهٔ وبرای دقایق طولانی مانع صحبت وی شدند هم چنان کلی از تحلیل گران سابق امور اطلاعاتی وزارت دفاع بریتانیا ،گزارشهای دولت در بارهء ضرورت جنگ بر ضد عراق را گمراه کننده ودروغ گویی بزرگ خوانده است .

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۳۲ | چهارشنبه ۲۲ دلو ۱۳۸۲ | ۲۰ ذوالحجة ۱۴۲۴ - | 11 February 2004

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

گروهی از نمایندگان مردم در نامه یی سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل:

دولت افغانستان در متن تصویب شدهٔ قانون اساسی تغییراتی مهم وارد کرده است

نمایندگان منتخب و مردمگرای اشتراک کننده در لویه جرگه نامهٔ سرگشاده یی در اعتراض بر عملکرد دولت انتقالی اسلامی وعدم رعایت بی طرفی یوناما در کابل، خطاب به آقای کوفی آنان دبیر کل سازمان ملل منتشر ساخته اند.

در این نامه آمده است : در پی انتشار متن توشیح شدهٔ قانون اساسی ملاحظه شد که مقامات دولت خلاف موازین حقوقی و قانونی در متن تصویب شدهٔ قانون اساسی دست زده و تغییرات مهمی در آن وارد آورده اند.

در این نامه که با شرح و تفصیل لازم همراه است، نمایندگان منتخب مردم آقای کوفی آنان را متوجه این نکتهٔ مهم می سازند که دولت چگونه استقلال کمیسیون تسوید قانون اساسی را زیر پا کرده و آزادی عمل آن را صلب نموده و دفتر یوناما چگونه به این عملکردهای خلاف توافقنامهٔ بن وخلاف موازین ومعیارهای قبول شدهٔ جامعه جهانی اعتراض نکرده و جلو آن را نگرفته است.

در نامهٔ نمایندگان مردم که به آدرس سرمنشی سازمان ملل صادر گردیده است، تأکید صورت گرفته که دولت آقای کرزی در فکر تمدید حاکمیت خویش بوده و برای دستیابی به این امر، تناسب جمعیت کشور، و حضور متناسب نمایندگان مردم وعدالت و انصاف را در نظر نگرفته وحق مشروع و عادلانهٔ مردم را به گونهٔ غیر دموکراتیک پامال نموده است. دراین نامه بر حضور ۵۲ نمایندهٔ انتصابی در شورای تصویب قانون اساسی اعتراض صورت گرفته و تأکید گردیده است که یوناما در کل این موارد لب به اعتراض نگشوده است.

> **مقامات دولتی با اعتراض کنندگان در تالار، برخورد ریاکارانه نموده و به وعده های خویش و تعهدات سپرده شده در برابر نمایندگان وفا نکرده است.**

در نامه تذکر رفته است که چگونه نظر و پیشنهاد اصلاحگرایانه و مردمی ۲۷۰ تن از نمایندگان در لویه جرگه نادیده گرفته شد و مقامات دولتی با اعتراض کنندگان در تالار، برخورد ریاکارانه نموده و به وعده های خویش و تعهدات سپرده شده در برابر نمایندگان وفا نکرده است.

نویسندگان نامهٔ سرگشاده در پایان از سازمان ملل و سرمنشی آن خواسته اند تا جلو قانون شکنی و جعل کاری در افغانستان را بگیرد، ورنه افغانستان بار دیگر به گرداب رنج و مصیبت مبتلا خواهد شد.

عبدالقدیر خان وانتقال تکنولوژی هسته یی به کشورهای دیگر



اخیراً در پی فشارهای ایالات متحدهٔ آمریکا، حکومت پاکستان مجبور گردید کار گذاران وکارشناسان اتمی من جمله عبدالقدیر خان پدر اتم آن شور را مورد بازداشت و باز پرس قرار دهد.

از چندین سال بدین سو مطبوعات ومسؤولان حکومت ایالات متحدهٔ آمریکا بر پاکستان اتهام وارد می نمودند که حکومت اسلام آباد به کوریای شمالی تکنولوژی سلاح های هسته یی فروخته و در مقابل موشک های دور برد دریافت نموده است. اتهامی که اسلام آباد آن را مکرراً رد نموده بود.

به دنبال فشارهای روز افزون بر ایران، رهبران آن کشور حاضر گردیدند معاهده الحاقی سلاح های هسته یی را در پایان باز دید وزرای خارجهٔ اتحادیهٔ اروپا سه ماه قبل امضا نمایند و معلومات کافی پیرامون سلاح های هسته یی خویش به سازمان ملل متحد تهیه نمایند. بر اساس این معاهدهٔ الحاقی، باز رسان هسته یی ملل متحد می توانند بدون اطلاع قبلی از تأسیسات هسته یی ایران باز دید نمایند. در معلومات داده شدهٔ ایران به ملل متحد اشاره شده بود که دانشمندان هسته یی پاکستان اطلاعاتی در زمینهٔ برنامه های هسته یی به تهران داده اند.

همچنان در پی سقوط نظام صدام حسین، معمر القذافی رهبر لیبی اعلان نمود که همه برنامه های توسعهٔ سلاح های هسته یی وبیولوژیکی خویش را متوقف می سازد و به هیأت هسته یی ملل متحد اجازه می دهد از تأسیسات آن کشور باز دید نماید. در پی باز دید هیأت ملل متحد از تراپلس یکبار دیگر معلوم گردید که دانشمندان اتمی پاکستان در رابطه به توسعهٔ سلاح های هسته یی لیبی کمک نموده اند.

به دنبال این تحولات چنان که گفته شد در اثر فشار ایالات متحدهٔ آمریکا حکومت پاکستان به دستگیری رهبران اتمی این کشور آغاز نموده است.

عبدالقدیر خان که به لقب پدر بم اتمی پاکستان شهرت دارد اعتراف کرد که به کشورهای متذکره معلومات فراهم نموده است وچنین می نمود که وی در پی این اعتراف مورد مجازات قرار گیرد. این امر باعث بر انگیختن موجی از احساسات در حمایت از عبدالقدیر خان در سراسر پاکستان گردید، چون بسیاری از مردم پاکستان وگروه های سیاسی این کشور او را به چشم یک قهرمان ملی می بینند. موضوع محاکمهٔ او از سوی محکمهٔ پاکستان به جنرال پرویز مشرف رئیس جمهور این کشور محول شد و جنرال مشرف چنان که انتظار می رفت او را بی درنگ مورد بخشش قرار داد.

ایالات متحدهٔ آمریکا در بارهٔ اعتراف عبدالقدیر در دست داشتن درانتقال تکنولوژی هسته یی به کشورهای ایران و لیبیا وکوریای شمالی و محاکمهٔ وی با احتیاط بر خورد نمود و آن را بسته به کشور پاکستان دانست و به گونه یی از مورد عفو قرار گرفتن عبدالقدیر خان از سوی رئیس جمهور مشرف رضایت نشان داد.

حکومت تونی بلیر

وجدی ترین موجهای مخالف در برابر آن

باوجود استعفای دو شخص مهم وکلیدی دردستگاه بی بی سی، مدیر عامل و«گوین دیویس» رئیس هیأت امنای بی بی سی ،چنانچه از وضعیت برمی آید ،هنوز غوغای بریا شده، ناشی ازمرگ اسرار آمیز دیویدکلی کار شناس امور تسلیحاتی دولت انگلیس پایان نیافته و این جدال ریشه دار سیاسی به مجلس عوام بریتانیا سرایت کرده است .



قرار تازه ترین اطلاعات خبری، پس از آن که گزارش جانبدارانهٔ «لرد هاتن» یک مقام عالی رتبهٔ قضایی مبنی بردفاع از عملکرد حکومت آقای «بلیر» صدر اعظم بریتانیا در رابطهٔ جنگ بر ضد عراق ،منتشر شد ، هر دو مقام بلند رتبهٔ بی.بی.سی استعفای خود را اعلام داشتند وبا این اقدام راه برای عملی شدن طرح تونی بلیر در مورد تغییر مدیریت در دستگاه بی بی سی و اعمال نفوذ بر پالیسی نشراتی آن باز گردید.

در این تحول غوغا بر انگیز بود که مدیر کل جدید بی بی سی «ریچار لایدر» ص۷

از نامه های آمده

صدای رأی دهندگان

از مصاحبه رادیو تلوویزیونی چند شب قبل در مورد توزیع کارت رأی دهی ریاست جمهوری برمی آید که یک نفر می تواند چند قطعه کارت از حوزه های مختلف انتخابی چه در مرکز و ولایات اخذ بدارد وحتی می تواند دیگران را نیز به این کار تشویق کند زیرا مسألهٔ خرید وفروش رأی از همین حالا مطرح است. برای این که یک ظلم صریح در حق مستحق واقعی مقام ریاست جمهوری آیندهٔ کشور صورت نگرفته باشد ، پیشنهاد می نمایم که در هر حوزه،توزیع کارت برای انتخابات ریاست جمهوری یک مهر مخصوص ویک رنگ مخصوص برای تاپه دریک صفحهٔ مخصوص تذکره، نفوس هم در مرکز وهم در ولایات موجود باشد وقتی که آحاد مردم برای اخذ کارت به حوزهٔ مورد نظر ویا نزدیک محل زندگی ویا محل کارش مراجعه می نماید .قبل از آن که کارت برایش داده شود یاور اثنای توزیع آن در یک صفحهٔ تذکره اش مهر ونشانی گردد.

همهٔ این مهر ها عین کلیشه (نقش واندازه) را در سراسر کشور داشته باشد تا هنگام رأی دهی وریختن کارت در صندوق مورد نظر انتخاباتی ریاست جمهوری از طرف هیأت ملاحظه گردد .

به این ترتیب دموکراسی انتخاباتی عملی گردیده و حق به مستحق خواهد رسید و نظام آینده مشروعیت خواهد داشت.

علاوه باید نمود بخاطر جلو گیری از ورود بی تذکره های مرزی که بسیار شباهت فرهنگی وچهره یی با مردمان ولایات مرزی داخلی دارند لازم است که تذکره، نفوس ملاحظه ودر صفحهٔ سن وسال آن مهر انتخاباتی نیز چک گردد.چه احتمال بسیا رقوی می رود که در مقابل پول ناچیزی مردمان از ماورای مرز ها در امر تعیین زعامت کشور مداخله کنند. به ریاست ثبت احوال ونفوس لازم است تا به کسانی که سوابق ثبت تذکره، نفوس خانوادگی قبلی نداشته باشند تذ کرهٔ جدید تا پایان دوره، انتخاباتی ندهد و هم چنان تعداد خارجی ها از کشور های مختلف زیاد است . اگر تذکره، نفوس ملاحظه نشود آنها می توانند مداخله، مستقیم کنند وبه این ترتیب هویت افغانی بی ارزش گردیده وتذکرهٔ نفوس از اعتبار خود می افتد .

از طرف دیگر رنگ انگشت را فقط چند نفر محدود می توانند تمیز کنند بگذار همگان بدانند که فلان کس یک کارت اخذ کرده است این است دیموکراسی به آن.

باالاحترام
بابه صاحب«طوفان محقق»